



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۲/۱۰

پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

تصادم دیموکراسی ها و اتوکراسیها

(قسمت سی و سوم)

ضمیمه اول

دیموکراسی در حال رقابت علیه اتوکراسی ها

در داینامیک جهانی دیموکراسی ها [1] «بخش ۳؛ فصل ۶؛ عنوان چهارم) شواهدی مبنی بر افزایش تعداد دولت های مردم سالار توسط پروژه نگرش جهانی « پیو» [2] نشان داده شده است. سازمان ملل متحد گزارش داد که ، معلق شدن دولت – ملت ها به سازمان ملل متحد از ۵۱ کشور در سال ۱۹۴۶ به ۱۹۳ کشور در ۲۰۲۰ افزایش یافت که انواع و تعداد آنها به شرح ذیل است :

رقابت کنونی بین دیموکراسی ها و اتوکراسی ها

سال	خودکامه گی ها / اتوکراسیها	مختلط	دیموکراسی ها
۱۹۷۶	۶۲	۱۳	۲۵
۲۰۱۷	۱۳	۱۳	۵۲

دولت های عضو سازمان ملل متحد			
۱۹۴۶	۱۹۷۶	۱۹۹۱	۲۰۲۰
۵۱	۷۰	۱۱۵	۱۹۳

شکل دهم

آیا دیموکراسی ها می توانند با حکومت استبدادی در قرن بیست و یکم در فاصله ۱۰۰ «یاردی» [3] پیروز شوند؟

1 - Global Dynamics of Democracy

2 - Pew Global Attitudes Project

3 - 100-yard dash : مسابقه دویدن ۱۰۰ یاردی یک مسابقه دوش در میدان با سرعت ۱۰۰ یارد یا ۹۱.۴۴ متر است. تا سال ۱۹۷۰م بخشی از بازیهای کشورهای مشترک المنافع بود و در سال ۱۹۰۴ در مسابقات سه گانه اولمپیک گنجانیده شد. معمولاً در مسابقات بین المللی استفاده نمیشود و با دوش ۱۰۰ متر جایگزین میشود. - برگرفته از ویکیپدیا - م

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

خوانندگان باید خود به این سؤال پاسخ دهند. شاید شنیده باشید که رئیس جمهور «بایدن» در مورد دو آشنای قدیمی خود با دو رئیس جمهور دو دولت (جمهوریت خلق چین ۱۹۴۹) و جمهوری سوسیالیستی فدراتیف شوروی روسیه (از سال ۱۹۹۲) که دیموکراسی های غربی را ابزار سرمایه داری و استعمار، نامیده اند، چه گفت؟ بنابراین، ما باید در برابر جهان روشن سازیم که دیموکراسی واقعی چیست، که توسط بینانگذاران امریکایی در سال ۱۷۷۶م اساس گذاری شد. دیموکراسی امریکا به اقتصاد بازار آزاد معتقد است، اما منحصراً با نیت سرمایه داری یا استعماری عمل نه کرده است. قدرت های استبدادی با سابقه ایدیولوژیک مارکسیستی خود، بدون شک به فلسفه ای مبتنی بر جبرگرایی ماتریالیزم معتقدند. جالب اینجاست که هر دو ابر قدرت، پشت نقاب های «دیموکراسی» و «جمهوری خواهی» پنهان شده اند. آنها بر این باور اند که آینده بشر قبلاً در یک جهان منحصراً فیزیکی و جهان بینی مادی متشکل از حواس پنجگانه انسانی تعیین شده و چیزی بیشتر از آن نیست! آنها هزاران سال دانش تجربه معنوی، میتافیزیکی و شهودی بشر را به عنوان چیزی بیش از اختراع سرمایه داران که از آن به عنوان مواد افیونی برای نگه داشتن توده های تحت کنترل خود استفاده می کنند، رد می کنند!

ضمیمه دوم

الف: فلسفه حیات

ما جوانب اساسی فلسفه دیموکراسی را مورد بحث قرار دادیم یعنی آنرا به عنوان شاخه از «اخلاقیات تطبیقیه [4]» با معیار اخلاقیات میان اشخاص و فلسفه معیاری با اصول اخلاقی مستقل که اعمال سیاسی را توجیه می کند مورد بحث قرار دادیم. (قسمت سوم، فصل ششم، عنوان اول) یونانی های این پروسه اجتماعی - سیاسی را «دیموکراتیا» (حاکمیت مشترک مردم) نامیدند که اشتقاق ریشه شناسی آن به عمل آن مربوط می شد. همانطوریکه قبلاً توضیح داده شد که شکل «دیموکراتیا» باید مقدم بر عمل آن باشد؟ اما باید توضیح دهیم که این چی شکلی از دیموکراتیا است که مقدم بر عملکرد آن است؟ این ما را به افلاطون بر می گرداند که به ما گفته بود: قبل از یافتن قواعد تطبیقی، عملکرد/ عمل آن، ابتداء باید ایده، هسته آن، جوهر آنرا بررسی کنیم. او به نوعی می دانست که با یافتن جوهر ایده، ما به شناخت هسته میتافیزیکی آن می رسیم که ممکن است به ما کمک کند تا راه های بهتری را برای تحقق یابی شکل و کارکرد آن بیابیم. این چیزی است که افلاطون به ما آموخت. اما ما تا هنوز هم منشاء این ایده را نمی دانیم. چه چیزی مغز های بزرگتر انسان را با عقل «شناخت» و نحو زبانی و نمادگرایی بیشتر سوق داد تا به مفهوم «حاکمیت مشترک مردم» که «مردم سالاری» یا دیموکراتیا نامیده میشود برسد؟

مقدمه این پدیده، این مفهوم چه بوده است؟ قبل از شکل گیری مغز در شکل حیات، باید خود «زندگی» به عنوان مقدمه موجود بوده باشد. قبلاً اشاره کردیم که با ایجاد حیات یک حجره وی با شواهدی از آگاهی، هر چند خیلی بدوی بود ولی

4 - 'Applied Ethics': اخلاق تطبیقیه: به کار برد عملی ملاحظات اخلاقی اشاره دارد. این اخلاق با توجه به اعمال دنیای واقعی و ملاحظات اخلاقی آنها در زمینه های زندگی خصوصی و عمومی، حرفه ها، صحت، تکنالوژی، قانون و رهبری است. م

نیروی انرژی همراه با آن وجود داشت که ارگانیزم را به سمت بقا به حرکت در می آورد. این را می توان نیروی حیات به عنوان یک جنبه ذاتی خود زندگی نامید. با خلقت یا تکامل انسان ، یک فاعل مختار متولد شد که از قوانین طبیعی جنگل و غرایز حیوانی رهایی یافت، اما نه بطور کامل. بنابر این، انسان های خردمند یا «هوموسی پین ها [5]» به فرمانروا های سیاره زمین مبدل شدند که در رأس هرم تکاملی ایستاده بودند. انسانها «هوموسی پین ها» در یک مرحله ای از رشد یا تکامل خود، از طریق نیروی حیاتی زندگی، یعنی فعل مختار، شناخت بالاتر به دست آوردند. با خلقت یا تکامل انسان، وی اکنون دارای احساس آزادی و جهت گیری هوشمندانه ای است تا در آزادی زندگی کند و در جستجوی فرد برای خوشبختی و توصل به "خیر برتر" جامعه گردد. بنابر این دیموکراسی زاده "تخیل انسان" نیست بلکه چیز است که ذاتاً در اعماق وجود انسان، در اعماق حجرات و روح آنها موجود بود. بنابر این دیموکراسی شیوه طبیعی زندگی بشر است که می توان آنرا «فلسفه طبیعی زندگی» انسان نامید.

تصویر ذیل بسیاری از چیز های را در یک چوکات خلاصه می کند که مؤلف در مورد آن صحبت نموده است!

جشن بیست و پنجمین سالگرد اکادمی ملی انجیری
[به مؤلف اجازه نشر داده شده]



کره خاکی کوچک شونده
VIII

⁵ - Homo sapiens

ب : جهانی شدن :

"پدیده ای که به عنوان جهانی شدن شناخته میشود این است که- بهم وصل بودن فزاینده مردمان، اقتصادها و فرهنگ های جهان - از دهه ۱۹۷۰ به بعد با پیشرفت های انجینیری در حمل و نقل، تولید، ارتباطات و مهمتر از همه در کمپیوتر و تکنالوژی معلوماتی، شتاب گرفته است. در سال ۱۹۸۹م در حالی که اکادیمی ملی انجینیری بیست و پنجمین سالگرد تأسیس خود را جشن گرفت، بیش از ۱۲ کشور به انترنت در حال رشد سریع متصل شده بودند و تولد (وب جهانی [6]) در حال تقرب بود.

به هم وصل بودن فزاینده مردم جهان، اقتصادها و فرهنگ ها از دهه ۱۹۷۰م با پیشرفت های در حمل و نقل، تولید، ارتباطات و در کمپیوتر و تکنالوژی معلوماتی به شکل شتابان در حال ترکیب شدن است. تا سال ۱۹۸۹ بیش از ۱۲ کشور به انترنت در حال رشد سریع وصل شدند و در مدت کوتاهی تولد «شبکه جهانی وب» ایجاد شد. [7]

۹ ماه پس از آنکه لشکر سرخ از افغانستان خارج ساخته شد، دیوار برلین در نوامبر سال ۱۹۸۹م فرو ریخت؛ انهدام این دیوار در واقع نشانه‌دهنده پایان جنگ سرد بود که موانع سفر را کاهش داد و تبادلات سیاسی و اقتصادی بین شرق و غرب فزونی یافت. این تحول چانس همکاری های بین المللی بیشتر را در مورد مسائل مربوط سیاره ما و ملت ها بصورت انفرادی افزایش داد. اما دو دهه بعد ابر های سیاه پوپولیزم و فاشیزم شروع به جمع شدن کردند و به حرکت خود ادامه دادند.

ضمیمه سوم

اول: فلسفه دیموکراسی

ما در مورد تعریف دیموکراسی و در مورد مردم سالاری بحث کردیم که از یونان و روم باستان شروع میشود و تا به دیموکراسی های معاصر از سویس تا ایالات متحده امریکا میرسد و ما آنرا تحت عنوان «فلسفه دیموکراسی» مورد بحث قرار دادیم. (بخش سوم، فصل ششم؛ اول)

از نظر «ایمانوئل کانت» بالا ترین خیر برای یک جامعه اساساً «خوشبختی متناسب با فضیلت است، که در آن فضیلت خیر بدون قید و شرط است ولی خوشبختی خیر مشروط است.» «کانت» مدعی است که مفهوم «بالا ترین خیر» تنها و تنها شرح منطقی سازمان یافته از یک تیوری نیست، بلکه روایتی است که بُعد اخلاقی - آموزشی و روانی هم دارد.» وی همچنین به چیزی اشاره دارد که اکثر ما در باره آن شنیده و تجربه کرده ایم و آن " ندای درون" است. او همچنین به

6 - World Wide Web

7 - National Academy of Engineering. National Academy of Science Publications.

چیزی اشاره دارد که اکثر ما در باره آن شنیده ایم و بعضی از ما و شما آنرا تجربه کرده ایم و آن «صدای درون است».

[8]، [9]، [10]، [11]

اجازه دهید با نقل قول از «سورن کیرکگارد» [12] که می گوید: " زندگی را می توان با نگاه به عقب درک کرد ولی برای زندگی کردن باید به جلو نگاه کرد" [13] به بحث «فاعل مختار» بازگردیم که از لحاظ تاریخی به مثابه هسته اسلوب عملکرد انسان تثبیت شده، که به اساس آن هر زمانی که بخواهد، فراتر از غرایز حیوانی، خود را از طریق زبان، بیان و یا عمل میکند. خوانندگان بیاد دارند که منظور از این استدلال برای کسانی نیست که به «جبرگرایی مطلق» اعتقاد دارند.

اکثر ما خود را در زمره معتقدان «سازگار گرای» [14] می دانیم و باورمندیم که «فعل مختار» با جبر طبیعت سازگار است. ما فعل مختار را یک ظرفیت روانی برای فعل یا عمل نمی دانیم که با عقل ظنین انداز میشود. ابتداء باید بدانیم که فعل مختار چیست. بنابر این باید فعل مختار انسان را به دو مؤلفه لفظی (ریشه شناسی یا ایتیمولوژی) و فلسفی تجزیه کنیم. در اینجا منظور ما ایتیمولوژی یا ریشه شناسی کلمه و یا هرمنوتیک (تفسیر متنی - م) نیست، هدف ما درک از «فعل مختار» به عنوان پروسه ذهن با پوتنسیل تبدیل شدن به یک عمل است.

فعالیت های مغزی انسان با بیش از ۳۰ بیلیون نیورون با ۱۰۰ میلیون - بیلیون ساینپس [15] (اتصالات) با نواحی نشان دهنده حواس پنجگانه ما گفتار به علاوه سائر فعالیت های حرکتی کنترل کننده عضلات، تعادل دماغ اصغر، ناحیه تفکر در بخش جلو مغز، قهر، رابطه جنسی، شعف و شادی، افسردگی، درد جسمی و روحی، گریه، خنده و غیره نقشه برداری شده است که هرکدام موقعیت خاص خود را در نقشه مغز دارد. اما مغز انسان هنوز بطور کامل نقشه برداری نه شده است. یکی از چیز های که علم و تکنالوژی به آن پی برده است این است که بشر به اندازه کافی در باره خود و جهان نمی داند، و صدای باستانی «سقراط» را بازتاب می دهد: «می دانم که نمی دانم»؛ و شاید یکی از دلایلی بوده که او را بزرگترین و خردمند ترین فیلسوفان نامیده اند! [16]

8 - "Scientists discover how humans develop larger brains than other apes". *phys.org*. Retrieved 19 April 2021.

9 - Auferderheide, J, Bader, R.M. *The Highest Good in Aristotle and Kant*. Oxford University Press. ISBN 9780197140192015. 2015.

10 - Timmermann, J. Section 1. Of *Kant's Groundwork of the Metaphysics of Morals: A Commentary*. Cambridge University Press, 2007.

11 - America, K, 'Kant on the Good Will', *Interpreting Kant's Critique*. Clarendon Press, 2003.

12 - Soren Kierkegaard

13 - Kierkegaard, Soren. *Philosophy; Journals and Papers*. V. III. Reprinted in IndiananUniversity Press. Bloomington, 1967-78

14 - Compatibilism

15 - synapses (connections)

16 - "Scientists discover how humans develop larger brains than other apes". *phys.org*. Retrieved 19 April 2021.

اگزستنسالیست^[17] (پیرو فلسفه هستی - م) های قرن بیستم که به پوچ بودن جهان نگاه می کردند فقط دو انتخاب داشتند : یا قیام علیه نورم های جامعه و زندگی بر اساس قوانین خود ساخته و یا با انتخاب خود فرد برای خود کشی! برای اکثر مردم آنچه که همه این فلسفه ها را به هم مرتبط می سازد فقدان عنصر اساسی یعنی فعل مختار انسان است. آنها فراموش کرده اند که این آزادی انتخاب یا فعل مختار بود که در طول تکامل بایولوژیکی هنگامی ظاهر شد که حیوان به انسان تبدیل شد. بدون حضور فعل مختار، اخلاق وجود نه خواهد داشت. بدون فعل مختار که انسان را قادر به انتخاب می کند هیچ تمایزی بین خوب و بد و خیر و شر و فضیلت و خبائت وجود نه خواهد داشت. بدون فعل مختار نه مفهومی از آزادی وجود خواهد داشت و نه آزادی انتخاب. بدون فعل مختار، انسان ها ماشین بیش نیستند. بدون فعل مختار معنایی از حقیقت و زیبایی وجود نخواهد داشت. اگر آزادی انتخاب نمی داشتیم، اراده انسانی، اراده ای برای انجام کار، اراده ای برای حرکت بیشتر، اراده ای برای حرکت به سمت هدف انتخابی وجود نمی داشت. بدون این عنصر نیروی حیات، یعنی «*آزاد بودن و داشتن اراده*»، کدام هدفی، کدام امیدی و کدام آینده ای برای خود حیات انسان وجود نمی داشت! بطور خلاصه، «واقعیت ما» به عنوان «محصول حواس پنجگانه انسانی ما» در دنیای بحران زده امروزی برای نجات ما کافی نیست!

ساینس از حس ششم انسانی، فراگیری فوری و بدون استدلال انسانی که بیشتر از یک حس است انکار می کند؛ حال آنکه این یک بُعد خلاقانه سالم است که هنگام مواجهه با زیبایی و حقیقت به انسان تجربیات خلاقیت در هنر، در کشف قوانین طبیعت،

تجربه از هیبت و خلسه را میدهد، زیرا حقیقت زیبایی است، و زیبایی همانگونه که «جان کیتس^[18]» بیان کرده حقیقت است!^[19]

بقیه دارد

دوم : فلسفه جهان گرایی و آینده

الف : جهان گرایی و صلح به عنوان یک فلسفه



آرشیف: مقالات پوهاند بشیر احمد زکریا

¹⁷ - existentialist

¹⁸ - John Keats

¹⁹ - Gardner, Martin. *How Keats famous line applies to Math and Science*. John Keats, *Ode on a Grecian Urn*. Scientific American, Technology. April 1, 2007.